

فلا هم یزور



با  
اطلاعی  
بشانی  
بمهر

علی اقلیدی نژاد

کتابخانه گاه علوم انسانی و فقهات فزینی  
مکتب اربع علوم انسانی

در جهان پر جنب و جوش امروز، باران اطلاعات از شبکه‌های جهانی رایانه‌ای و ماهواره‌ای و شبکه‌های داخلی، ذهن مخاطبان را آماج خود می‌سازد. بخشی از این گونه اطلاعات به عنوان خبر رسانی و اطلاع رسانی، طبقه بندی می‌شوند. در ارتباط روزمره نیز بخشی از تلاش‌ها صرف تشویق دیگران و متمایل ساختن به رفتار مورد نظر، بخش دیگر در جهت همراه سازی و متقاعد سازی و پاره‌ای از ارتباط‌های ما را اطلاع رسانی به دیگران تشکیل می‌دهد. مانند آن که برای کسی در مورد واجب بودن تقلید، وضع آب و هوا و تغییر کابینه توضیح می‌دهیم.

ممکن است مبادله اطلاعات علمی، اخلاقی، اجتماعی و دینی، شکل آموزش غیر رسمی و غیر مستقیم به خود بگیرد، اما در هر صورت پاره‌ای از اطلاعات تنها جنبه اطلاع رسانی خواهند داشت، مانند جایی که بدون هدف تأثیر گذاری بر ذهن مخاطبان، آمار افراد زیر ۲۵ سال

کشور ارائه شود.

با توجه به آنچه گفته شد، از آن جا که بسیاری از ما، در ارتباط‌های روزانه نیازمند درک مفاهیم، استفاده بردن یا در اختیار نهادن دستاوردهایمان هستیم، لازم است راهکارهایی را جهت ارتباط بهینه و شایسته در امر اطلاع رسانی در نظر داشته باشیم و بر پایه آن، ارتباط‌های خویش را سامان دهیم.

فرض کنید تحصیلات و مطالعه‌های شما در حوزه زیست‌شناسی است. به تازگی موفق به پیش خرید ماشین از شرکت الف شده‌اید. مشکلی پیش آمده است، نیازمند به پول هستید و نمی‌توانید تا زمان تحویل و تمام شدن مدت، صبر کنید، از آن جا که فردی دیندار و متعهد می‌باشید و علاقه‌مند به دانستن نظر اسلام هستید به شخصی آگاه مراجعه می‌کنید، از وی درباره فروش پیش از موقع ماشین می‌پرسید. او به شما این گونه پاسخ می‌دهد. «انسان نمی‌تواند جنس سلفی را پیش از اتمام موعد به

بیع بگذارد و بعد از اتمام آن، اگر چه قبض نکرده باشد می تواند.»

شما از این پاسخ مبهم متعجب و درمانده می شوید؛ زیرا تا به حال کلماتی همچون جنس سلفی، قبض و بیع به گوش شما نخورده است.

اما بدون آن که چیزی به او بگویید، از او جدا شده، راهی خانه می شوید. در مسیر بازگشت، به خانه دوستان می روید. او نیز مشکل شما را دارد، جریان را برایش تعریف می کنید و او در حالی که لبخندی بر لب دارد می گوید: «یعنی تا زمانی که مدت تمام نشده نمی توانی بفروشی، بعد از تمام شدن مدت، ولو تحویل نگرفته باشی اشکالی ندارد.» با خوشحالی از او تشکر می کنید و راهی خانه می شوید در حالی که این پرسش در ذهن شما نقش بسته است که چرا آن مرد آگاه و دانشمند به این راحتی پاسخ نداد؟ پاسخ روشن است. زیرا شخص اول از اصول اطلاع رسانی بی خبر بود و تنها بر اساس آگاهی های خود، پاسخ داده بود، اما نفر دوم متوجه مشکل شده و با

تصحیح شیوه نادرست نفر نخست، به جوابگویی پرداخت و موفق عمل نمود.

از این رو اگر می خواهید در این گونه ارتباطها موفق عمل نمایید به این اصول توجه فرمائید:

**اصل اول: سازگار سازی موضوع با**

**زمان و زمانه**

در اطلاع رسانی موفق توجه به زمان گفتار و زمانه آن بسیار مهم است. موضوع گفتار را بایستی با توجه به فرصتی که در اختیار است تنظیم نمود، به گونه ای که بتوان بیشترین استفاده را از زمان برد و گفتار را با پایان یافتن زمان به آخر رساند. هنر استفاده از زمان به شکل خلاق و زیبا از جمله ویژگی های ارتباطگر موفق است.

او می تواند با تلاش و نوآوری و به زیبایی، بین بحث و زمان و فرصت موجود سازگاری ایجاد نماید و واژگان را با ثانیه ها پیوند بزند. به نمونه زیبایی از این هنرمندی توجه فرمائید: «فردی خداشناس از کوچه ای عبور می کرد. شخصی با عجله خود را به او رساند و گفت: در یک دقیقه خداوند را به من

مناسب سخن خود را شروع کنید، و گرنه نه تنها ارتباطی موفق برقرار نخواهد شد، بلکه ممکن است زمینه مفاهمه و ارتباط‌های آینده را نیز دچار آسیب نماید.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «مُجْتَنِي الشَّمْرَةَ لِغَيْرِ وَقْتِ اِنْبِاعِهَا كَالزَّرْعِ بِغَيْرِ اَرْضِهِ<sup>۱</sup>؛ کسی که میوه را پیش از زمان رسیدنش بچیند مانند کسی است که در زمین دیگری کشت نموده است.» در ارتباط نیز چیدن میوه توجه و گرایش مخاطبان، زمان ویژه‌ای دارد و بی‌توجهی به آن موجب می‌شود آنچه را در ارتباط به کار می‌بریم، بدون باروری لازم رها نماییم؛ چراکه شما نمی‌توانید آنچه را در ذهن مخاطب کاشته‌اید به مدد توضیح آبیاری نمایید زیرا او این امکان را برای شما فراهم نمی‌آورد.<sup>۲</sup> شاعر در این باره بسیار زیبا سروده است:

مجال سخن تا نیایی مگوی

چو میدان نبینی، نگه دار گوی

معرفی کن. مرد خداشناس گفت: آیا تو هستی یا نیست؟ آن مرد در پاسخ گفت: من هستم و در بودنم شکی ندارم. شخص خداپرست گفت: آیا خودت، خود را ساخته‌ای؟ او گفت: نه، چون نه وسیله‌ای در اختیار دارم و نه آگاهی لازم را دارم. آن‌گاه مرد خداشناس با لبخند گفت: پس تو باید سازنده‌ای داشته باشی که بداند چه بسازد و بتواند بسازد. ما نام او را خدا می‌گذاریم.<sup>۱</sup>

عنصر زمان به گونه‌ای دیگر نیز باید مورد عنایت و توجه قرار گیرد و آن شرایط زمانی است، به این صورت که ارتباطگر هوشیار بر اساس شرایط زمانی مانند خستگی، بی‌حوصلگی، هیجان و گرسنگی بحث خود را تنظیم می‌کند.

تصور کنید می‌خواهید برای عده‌ای سرباز که به تازگی از مانور و رزمایش نظامی آمده‌اند و مدت زیادی است به مرخصی نرفته‌اند صحبت کنید. بی‌تردید بایستی شرایط زمانی آن‌ها را درک کنید و بر اساس آن، نوعی هم‌احساسی را در آنان به وجود آورده، نشاط لازم را برای شنیدن گفتار خود در آنان پدید آورید. مثلاً با طنزی

۱- آموزش مفاهیم دینی، ناصر باهنر، ص ۱۸۱.

۲- الحیة، ج ۱، ص ۳۵۳.

۳- برداشتی آزاد از شرح نهج البلاغه خویی، ج ۳، ص ۱۳۹.

و این گفتار امیر بیان علیه السلام را به یادگار داشته باشیم که فرمودند: «لَا تَعْجَلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدَمُوا؛ پیش از رسیدن زمان و موعد کار اقدام ننمائید زیرا که پشیمان خواهید شد.»

بنابراین گفتار را باید با دو اصل فرصت و شرایط زمانی مخاطب سازگار نمود. از سوی دیگر توجه به نو بودن گفتار از جهت قالب و شیوه بیان، استفاده از آخرین اطلاعات موجود و عقب نیفتادن از موضوعات روزآمد از جمله عواملی است که در کارآمدسازی ارتباط مؤثر است. نوگرایی در ارائه مطالب می تواند خستگی را از مخاطب نوجو بگیرد و او را از تکرارهای بی امان نجات بخشد و انگیزه لازم را برای ایجاد ارتباط در او به وجود آورد. از این رو زمانه و موضوعات مربوط به آن را باید شناخت، به ویژگی ها و شرایط زمانی مخاطب باید توجه نمود و گفتار را با فرصت زمانی سازگار کرد.

#### اصل دوم: ساماندهی گفتار

در هنگام اطلاع رسانی، سامان دادن به اطلاعات و گفته ها و ایجاد یک سیر مشخص برای رسیدن به هدف

ضروری است. دادن اطلاعات پراکنده نمی تواند مخاطب را سیراب سازد، زیرا در هر زمینه تنها اطلاعاتی را به صورت شنیداری یا دیداری به دست آورده است اما نتوانسته به صورت کامل در مورد آن ها قضاوت و داوری نماید. از این رو بهتر است به هنگام اطلاع رسانی، ابتدا از نقطه ای مشخص شروع نمود، در صورت وجود ابهام آن را بر طرف ساخت و سپس وارد مسأله شد. آن گاه به شفاف سازی جنبه ها و سبویه های آن پرداخت و پس از اطمینان از درک درست مخاطب، ارتباط را پایان بخشید. بنابراین در آغاز باید از مخاطب پرسید آیا در رابطه با موضوع اطلاعاتی دارد یا خیر؟ سپس با توجه به ویژگی های مخاطب یا مخاطبان، به اطلاع رسانی پرداخت و به گونه ای گام به گام و تدریجی مراحل اطلاع رسانی را کامل نمود. چه زیبا است گفتار علوی که می فرماید: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَ قَهْمَةُ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ؛ نیکوترین

۱- الحیاء، ج ۱، ص ۳۵۴. به نقل از تحف العقول، ص ۸۰

۲- معجم الالفاظ غرر الحکم و درر الکلم، دفتر

﴿وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ﴾؛ «[ما پاکیزه‌ها را بر آنان حرام نمودیم، به خاطر...] و ربا گرفتنشان، با آنکه از آن نهی شده بودند.»

در مرحله سوم از رباخواری نهی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را [با سود] چندین برابر نخورید.» و در آخرین مرحله ربا خوردن و سود اندوختن حرام را دشمنی و جنگ با خدا می‌داند: ﴿فَإِن كُنتُمْ تَفْعَلُونَ فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾؛ «و اگر [چنین] نکرديد، بدانيد به جنگ با خدا و فرستاده وی برخاسته‌اید.»

از این رو بایستی در ارائه پیام و اطلاع رسانی، به ساماندهی و ساختار سازی اقدام نمود، سپس با توجه به مخاطب و نوع گفتار، آن را به صورت از ساده به مشکل و سپس نتیجه‌گیری مطرح نمود یا بر اساس گفتارهای شمارشی ارائه کرد.

سخن آن است که با نظام نیکو آراسته شده باشد و خاص و عام آن را بفهمند.» قرآن کریم نیز بر تدریجی بودن و سیر داشتن ارتباط‌های و حیانی با مردم تأکید می‌نماید. ﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَبٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾؛ «و قرآنی را بخش بخش کرده [بر تو نازل کردیم] تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.» این قاعده اساسی در ارائه برنامه‌های اجتماعی و احکام جاری در متن زندگی نیز از سوی کلام الهی مورد توجه قرار گرفته است. در این باره حرمت تدریجی و مرحله‌ای ربا در قرآن با توجه به مخاطبان از نقطه‌ای خاص و ارزیابی شده شروع گشته، با برنامه ریزی ویژه و زمان بندی مشخص ارائه گردیده است. در مرحله نخست حکم به صورتی غیر واجب مطرح می‌شود. ﴿وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا يَرْتَبُوا فِيهِ أََمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْتَبُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾؛ «و آنچه ربا می‌دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی‌گیرد.»

در مرحله دوم ربا را از عادت‌های زشت و ناپسند قوم یهود بر می‌شمارد.

تبلیغات اسلامی، ج ۱، ص ۹۹۵.

۱- اسراء/ ۱۰۶.

۲- روم/ ۳۹.

۳- نساء/ ۱۶۱.

۴- آل عمران/ ۱۳۰.

۵- بقره/ ۲۷۹.

تازه را در نظر بگیرند. سپس از آنان می پرسید: اگر پوست پرتقال کنده شده و در برابر هوا قرار گیرد چه اتفاقی می افتد؟ همه جواب می دادند: خراب می شود. بار دیگر با مثالی جالب تر می پرسید: آیا می دانید اطراف زمین جو گسترده ای وجود دارد؟ پس از شنیدن پاسخ مثبت ادامه می داد: اگر جو زمین از بین برود چه اتفاقی می افتد؟ آیا زمین به خاطر برخورد با شهاب سنگها تخریب نمی شود و زیست جانداران را در این کره نابود نمی کند؟ مخاطبان همه می گفتند: بله، همین طور است. و او با هنرمندی، در حالی که قیافه ای حق به جانب گرفته بود می گفت: بنابراین به این نتیجه می رسیم، هر چه پوشش مناسب نداشته باشد در معرض خطر است، مسأله حجاب زنان نیز بر اساس همین فلسفه است و خداوند متعال حجاب را پوششی در برابر خطرها قرار داده است. به همین خاطر هرکس علاقه مند است خود را از خطرهای سهمگین و شکننده فساد و بی حجابی برهاند، بایستی از پوششی مناسب برخوردار باشد.

البته در گفتارهای شمارشی مناسب است بهترین و گیراترین نکته ها را در ردیف های نخست و پایانی بیاورید؛ تا مخاطب در آغاز ارتباط بتواند انگیزه لازم را به دست آورد و در پایان با خاطره ای خوش از شما جدا شود. به عنوان نمونه اگر می خواهید در مورد آسیب شناسی جوانان صحبت کنید، ضروری است به گونه ای مرتب و شماره گذاری شده نکته ها را بر اساس انگیزشی ترین تا خاطره سازترین، طبقه بندی نموده یک به یک ارائه دهید و در پایان هر قسمت، از واکنش مثبت مخاطبان خویش مطمئن شوید. از این روش می توان در ارائه مطالب علمی تا معارف اسلامی سود برد.

بیار، ای سخنگوی چابک سرای

بساط سخن را یکایک بجای

اصل سوم: پیوند مفاهیم با واقعیات

یکی از مبلغان موفق زمانی که می خواست فلسفه حجاب را شرح دهد با مثالی کوتاه، تصویری و قابل فهم مسأله را برای مخاطبان خود مطرح می ساخت. در آغاز از مخاطبان می خواست تا در ذهن خود پرتقالی

خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ؛ «در روزی که مقدارش ۵۰ هزار سال است.»

ملموس نمودن مفاهیمی همچون گناه، بخشش خداوند، معاد و دیگر مفاهیم، بستگی به میزان نوآوری ارتباطگر دارد.

«یکی از معلمان وقتی در جریان تدریس به موضوع تبعیض نژادی رسید، برای آن که کودکان در عمل، قبح آن را احساس کنند و به صورت واقعی و مؤثر از آن متنفر شوند، دانش آموزان کلاس خود را به واسطه یک ویژگی ظاهری مانند رنگ چشم یا پوست به دو بخش تقسیم نمود. هفته نخست با نظارت و مراقبت معلم، تبعیض به سود چشم آبی‌ها و سفید پوست‌ها بود. آن‌ها بودند که از بهترین تسهیلات و مزایای مدرسه برخوردار شدند. هفته بعد دسته دیگر از این تبعیض بهره‌مند گشتند. در جریان این دو هفته، هر دو گروه در عمل، تلخی و زشتی تبعیض‌های موجود بر پایه خصوصیات نژادی را دریافتند و آن را احساس نمودند، به این ترتیب، بدون

اگر خواهان پیروزی در ارتباط‌های خود هستید، راز آن در یک نکته اساسی نهفته است و آن پیوند هرچه بیشتر مفاهیم انتزاعی و ناآشنا با واقعیات آشنا و روزمره زندگی مخاطبان است. این پیوند سبب می‌شود مفاهیم خسته‌کننده که موجب بیزاری مخاطب می‌شود، تبدیل به اطلاعاتی لذت‌بخش شوند و در آخر نتیجه‌ای مؤثر را در پی آورند و حس مشارکت مخاطب را تحریک سازند؛ زیرا او توانسته است با درک یک مفهوم با واقعیاتی ارزشمند آشنا شود.

در همین رابطه مناسب است، مطالبی را که نیازمند به محاسبه می‌باشد به صورتی کاربردی‌تر و همه فهم‌تر درآورد. به عنوان مثال به جای آن که میزان آب کر یا وجب یا من فلان شهر محاسبه شود و به اطلاع مخاطب رسانده شود، بهتر است بر اساس کیلوگرم یا لیتر ارائه گردد.

قرآن مجید، این کلام جاودان نیز بر اساس همین اصل به جای آن که طولانی بودن روز قیامت را با مفاهیم پیچیده توضیح دهد، با تبدیل آن به سال می‌فرماید: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ



سخن می‌گویید که دامنه علمی آنان از بی سواد تا صاحبان تحصیلات عالی گسترده است، باید حداقل‌ها را در نظر گرفت و به گونه‌ای صحبت نمود که خواص و عوام آن را بفهمند.

از این رو بهتر است استفاده از واژگان علمی و تخصصی در حد ضرورت و با توضیحات همراه باشد. بیان «معادل‌های» روز که در زندگی روزمره از کاربرد بیشتری برخوردارند، همچنین توضیح و شفاف سازی اصطلاحات علمی، از دیگر راهکارهای پرهیز از واژگان پیچیده است؛ چراکه استفاده از واژگان علمی و سنگین بدنه ارتباط را دچار ضعف می‌نماید. به کاربردن واژگان تخصصی فقه در گفت و گو با مردم مانند «حد ترخص»، «تروی»، «خیار غبن»، «احتیاط واجب» و... چیزی جز دوری مخاطب از فضای ارتباط به دنبال نخواهد داشت و مبادله اطلاعاتی را به سامان نخواهد رسانید. اجازه

آن که معلم وقت خود را بیهوده صرف گفت و گوی لفظی و ارائه زبانی زیان‌های تبعیض کند و نتیجه آن برای دانش آموزان تنها خستگی و حفظ یک سری کلمات باشد، توانست مقصود خود را به صورت عملی بیان کند.<sup>۱</sup>

سیره و روش عملی رسول مکرم اسلام ﷺ گویای نوآوری و استفاده از وسائل مختلف برای اطلاع رسانی رسا و گویا و تأثیرگذار است. سلمان فارسی می‌گوید: همراه با رسول خدا ﷺ در سایه درختی نشسته بودیم که حضرت شاخه‌ای از آن درخت را تکان دادند به طوری که برگ‌هایش ریخت، و بعد فرمود: آیا نمی‌پرسید که چرا این کار را انجام دادم؟ و سپس ادامه داد: مؤمن وقتی نماز می‌خواند، گناهانش همچون برگ‌های این درخت می‌ریزد.<sup>۲</sup>

### اصل چهارم: کاهش واژه‌های پیچیده و نامأنوس

این اصل نسبی است، یعنی با توجه به توان مخاطبان قابل تغییر است. اما در این میان بایستی بر اساس کمترین توانایی‌ها بر نامه سخن را چید. به همین جهت اگر در جمعی

۱- آموزش مفاهیم دینی، ناصر باهنر، ص ۲۲۲، با کمی تغییر.

۲- جامع احادیث، ج دوم، ج ۴، ص ۴۸، به نقل از امالی، قرآن و تبلیغ، ص ۱۷۲.

نماییم و کمترین کار می‌تواند این باشد که به جای این گونه واژه‌ها بگوئیم: یکی از دانشمندان معروف غربی و یا یکی از خبرگزاری‌های خارجی.<sup>۲</sup>

هیچگاه نباید رسایی سخن و شخصیت علمی سخنور را در ارتباط با بکارگیری الفاظ پیچیده بیگانه و دور از ذهن ارزیابی نمود؛ چراکه امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «الْبَلَاغَةُ مَا سَهَّلَ عَلَى الْمُنْطِقِ وَخَفَّ عَلَى الْفِطْنَةِ»<sup>۳</sup> سخن رسا آن است که بر زبان به آسانی جاری شود و براحتی فهمیده گردد.»

**اصل پنجم: استفاده از وسایل کمک ارتباطی تصویری**

در ارائه پیام و پردازش محتوا، وسایل کمک ارتباطی می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. این وسایل می‌تواند همچون ابزاری پیام و محتوا را صیقل زده و نافذ نماید؛ به گونه‌ای که پیام در اعماق جان و حافظه مخاطب جای

دهید با گفتار نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام بحث را ادامه دهیم که فرمودند: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا لَا تَمُجُّهُ الْأَذَانُ وَلَا يَنْعَبُ فَهْمُهُ الْأَفْهَامُ»؛ آراسته‌ترین سخن آن است که برای گوش ناخوشایند (و ناآشنا) نباشد و فهم آن برای فهم‌ها رنج آور نبوده، [و مردم در فهم آن به زحمت نیفتند].»

استفاده از واژگان پیچیده و ناآشنا نه تنها مخاطب را به زحمت می‌اندازد و چه بسا تمرکز و انگیزه ارتباط را از او می‌گیرد، بلکه ممکن است برای استفاده‌کننده نیز خطر آفرین باشد و آگاهی و شخصیت او را زیر سؤال ببرد. «دوستی را دیدم که سخنرانی می‌کرد و در خلال آن می‌خواست بگوید: الکسیس کارل، ولی زبانش نمی‌چرخید و نمی‌توانست به خوبی ادا کند و می‌گفت: السکیس کارل و یا می‌خواست بگوید اسوشیتد پرس، نمی‌توانست و اشتباه تلفظ می‌کرد و باعث خنده بعضی می‌شد. با دیدن این صحنه از آن دوست، تجربه‌ای آموختم و آن این که: بهتر است بعضی واژه‌های نامأنوس و دارای تلفظ مشکل را رها کرده تا اسباب تمسخر خود را فراهم

۱- معجم الالفاظ غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۹۵.

۲- تجارب مبلغان هنرمند، ص ۱۱۳.

۳- معجم الالفاظ غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۱۱.

برای روشن شدن مطلب سه نفر را تصور کنید. شخص نخست برای آموزش احکام تیمم و وضو، به ارائه سخنورانه بسنده می‌کند و احکام آن را بیان می‌نماید، بدون آن‌که هیچ حرکتی از خود نشان دهد. نفر دوم واژه‌ها را تعریف کرده و با بیانی شیوا، ساده و رسا مطلب را شرح می‌دهد اما از حرکت سودی نمی‌برد.

اما نفر سوم از تصاویر آموزشی همراه با حرکات مناسب سود می‌جوید. به نظر شما کدامیک موفق‌تر هستند؟ پاسخ مشخص است. هر شخص آگاه از راز و رمز ارتباط در می‌یابد که بُرد ارتباطی شخص سوم با دو نفر دیگر قابل مقایسه نیست زیرا آن‌ها از حافظه شنیداری مخاطب استفاده می‌کردند ولی نفر سوم از حافظه دیداری نیز سود جست، به همین جهت آگاهی و اطلاعاتی که به مخاطب ارائه شده است به راحتی پاک نخواهد شد. اگر به این موضوع

۱- دکتر بلخاری، مجموعه نشست‌های طرح هجرت، ۱۳۷۹.

بین موضوع، فرصت و زمانه سازگاری ایجاد نمایید؛ ساختاری زیبا و منظم برای گفتار خود فراهم کنید؛ مفاهیم ناآشنا را با واقعیات پیوند بزنید؛ از واژه‌های علمی و پیچیده در حد ضرورت به همراه توضیح سود ببرید؛ و از وسایل کمک ارتباطی تصویری استفاده کنید.

گیرد. روان‌شناسان معتقدند «قدرت یک تصویر معادل هزار کلمه است.»<sup>۱</sup> ضرب‌المثل‌های فارسی نیز گویای همین نکته هستند، مانند: «شنیدن کی بود مانند دیدن»، ژاپنی‌ها نیز به گونه‌ای دیگر همین مطلب را در قالب ضرب‌المثل آورده‌اند و می‌گویند: «یک بار دیدن بهتر از صد بار شنیدن است.»

۲- این گونه وسایل را در دسترس قرار ندهید تا توجه مخاطبان را پرت نکند.

۳- تصاویر متحرک و استفاده از فیلم، از تأثیری ژرف‌تر برخوردار است.

۴- تمام توجه خود را به توضیح دادن معطوف ننمایید و مخاطبان خویش را فراموش نکنید، بلکه ارتباط دیداری یا چشم به چشم را تا پایان حفظ کنید.

#### خلاصه مطالب:

برای موفقیت در اطلاع رسانی، پنج نکته را هیچگاه فراموش نکنید: بین موضوع، فرصت و زمانه سازگاری ایجاد نمایید؛ ساختاری زیبا و منظم برای گفتار خود فراهم کنید؛ مفاهیم ناآشنا را با واقعیات پیوند بزنید؛ از واژه‌های علمی و پیچیده در حد ضرورت به همراه توضیح سود ببرید؛ و از وسایل کمک ارتباطی تصویری استفاده کنید.

اعتقادی ندارید و علاقه‌مند به آزمایش می‌باشید، با مراجعه به حافظه خود ببینید بیشتر یک برنامه رادیویی را به یاد می‌آورید یا یک برنامه تلویزیونی و فیلم را.

امام صادق علیه السلام در عملکردی زیبا همین قاعده را به نمایش می‌گذارند تا الگویی جاودانه برای ما باشد. سماعه می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم. چه وقت هنگام نماز است؟ حضرت به چپ و راست خود نگاه کردند، گویا چیزی می‌خواستند، چوبی را برداشته و به ایشان دادم و آن بزرگوار چوب را به عنوان شاخص در زمین فرو بردند و به وسیله آن و استفاده از سایه چوب، وقت نماز را برایم توضیح دادند.<sup>۱</sup> بنابراین استفاده از وسایل کمک آموزشی - ارتباطی می‌تواند در اطلاع رسانی ما را یاری دهد. اما در این باره ملاحظه نکاتی چند ضروری است:

۱- از تصاویری استفاده شود که در حد امکان بزرگ بوده، مخاطبان آن را به راحتی ببینند.

۱- جامع احادیث شیعه، ج اول، ج ۴، ص ۱۶۰ و ۱۶۱؛ قرآن و تبلیغ، ص ۱۷۳.